

## مقایسه ویژگی‌های شخصیتی زوجین متعارض و عادی با استفاده از پرسشنامه شخصیتی ۵ عاملی نئو

زهرا حسینی\* - زهرا خلقی\* - سمیه جابری\* - اکرم صدیقی\* - وجیهه صالحی\* - متین تفویضی\* - دکتر رضوان السادات جزایری\*\* - دکتر مریم السادات فاتحی زاده\*\*\*

\* دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده

\*\* استادیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان

\*\*\* دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان

### چکیده

زمینه: شخصیت مفهومی کلی و پیچیده است و تأثیرات پایداری بر روابط زناشویی دارد. برخی از ویژگی‌های شخصیتی و اختلالات روانی، تنش‌ها و تعارضات را بین زوج‌ها افزایش می‌دهد و این تعارضات زناشویی می‌تواند نقش به‌سزایی در عدم موفقیت و ناپایداری کانون خانواده داشته باشد و تداوم زندگی زناشویی را تهدید نماید. تحقیق حاضر در صدد آن است تا ویژگی‌های شخصیتی در بین زوج‌های متعارض و زوج‌های عادی را با توجه به عوامل پنج‌گانه شخصیت مقایسه نماید.

روش بررسی: جامعه پژوهش شامل زوجین ساکن شهر اصفهان بود. از میان زوج‌های متعارض ۵۳ زوج و از میان زوج‌های عادی نیز ۵۳ زوج به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار سنجش پرسشنامه پنج عاملی NEO-PI-R (۲۴۰ سوالی) کاستا و مک کری بود که آزمودنی‌ها به آن پاسخ دادند. برای تحلیل داده‌ها از SPSS 16 و روش آماری تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) در سطح معناداری  $p < 0/05$  استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش مذکور نشان داد که بین زوج‌های متعارض و زوج‌های عادی در مقیاس‌های (با وجدان بودن، C)، (برون‌گرایی، E)، (روان رنجورخویی، N)، در سطح  $p < 0/05$  تفاوت معنادار وجود دارد و در مقیاس (توافق‌پذیری، A) و (انعطاف‌پذیری، O)، در سطح  $p < 0/05$  تفاوت معنادار وجود ندارد.

نتیجه‌گیری: بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ویژگی‌های شخصیتی افراد، مانند روان رنجور خویی و برون‌گرایی و با وجدان بودن در ایجاد تعارض بین زوجین نقش دارد.

کلید واژه‌ها: پرسشنامه ۵ عاملی نئو، زوجین متعارض.

تایید مقاله: ۱۳۹۲/۷/۳۰

وصول مقاله: ۱۳۹۱/۹/۱۱

نویسنده پاسخگو: اصفهان، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی تلفن: ۰۳۱۱ - ۷۹۳۲۵۱۵ - za.ho61@yahoo.com

### مقدمه

یک شخص با توقعات شخص دیگر جور در نیاید (۳). وجود تعارض در زندگی، بخش اجتناب‌ناپذیر هستی انسان را تشکیل می‌دهد. این موضوع هم می‌تواند جنبه مثبت و رشد دهنده و هم جنبه منفی و تخریبی در روابط انسانی داشته باشد (۴). از دیدگاه ون و نولن (۱۹۸۷) تعارضات زمانی بالا می‌گیرد که درجات مختلف استقلال یا وابستگی زوج‌ها به یکدیگر جهت همکاری و تصمیم‌گیری مورد نیاز باشد (۵). همچنین اوقاتی پیش می‌آید که یا فقدان توافق مشاهده می‌شود یا نیازها برآورده نمی‌شود، در نتیجه همسران نسبت به یکدیگر احساس خشم، ناامیدی و نارضایتی می‌کنند (۶). رند و لوبینجر (۱۹۸۳) و تینگ تومی (۱۹۸۳) عقیده دارند همسرانی که در ایجاد روابط مناسب ناتوان

خانواده، نظامی اجتماعی و طبیعی است که ویژگی‌های خاص خود را دارد. در چنین نظامی، افراد با علائق و دلبستگی‌های عاطفی نیرومند، دیرپا و متقابل به یکدیگر پیوسته‌اند (۱). هنگامی که در چرخه زندگی، خانواده‌ها از نقاط گذار عبور می‌کنند، هیچ خانواده‌ای از این تغییرات بدون مشکل عبور نمی‌کند، همه دچار فشار روانی می‌شوند، مقابل تغییر مقاومت می‌کنند و دچار چرخه معیوب می‌شوند (۲). دیویس معتقد است تعارض در روابط وقتی بروز می‌کند که رفتار

رفتاری دسته‌بندی می‌شود. نابرابری تصور شده در تقسیم کار زوجها با تعارض زوجین و گرایش مرد به عقب نشینی از تعارض همراه است. تعارض بر سر قدرت همچنین به شدت با ناراضی زناشویی وابسته است. (۱۰). شناخت عواملی که زمینه را برای بروز اختلافات زناشویی و جدایی زوجها فراهم می‌کند، نقش مهمی در کاهش مشکلات زناشویی و آمار طلاق در جامعه دارد (۱۳). شخصیت، می‌تواند تأثیرات پایداری بر روابط زناشویی داشته باشد (۱۳). همچنین برخی از ویژگی‌های شخصیتی و اختلالات روانی، تنش‌ها و تعارضات را بین زوجها افزایش می‌دهد و تداوم زندگی زناشویی را تهدید می‌کند (۱۴). از سویی دیگر تفاوت‌های فردی نیز ممکن است حاصل شخصیت و صفات ژنتیکی باشد که تأثیر زیادی بر افکار، احساسات و رفتارهایی از جمله گرایش به اضطراب و نگرانی دارد. پنج عامل بزرگ شخصیت یعنی روان رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌گرایی، توافق‌پذیری و وجدان‌گرایی مبنای نظری محکم و جامعی را برای تبیین تفاوت‌های بین فردی شخصیتی فراهم می‌کند. (۱۵) کارنی و برادبوری (۱۹۹۷) معتقدند که بعضی تمایلات شخصیتی مانند بی‌ثباتی هیجانی یا روان رنجور خوبی آسیب‌پذیری‌های پایداری را به وجود می‌آورند که بر چگونگی انطباق زوجها با تجارب فشار آفرین تأثیر می‌گذارد. این انطباق نیز بر رضایت آن‌ها از روابط زناشویی مؤثر است (۱۶). با توجه به این نکات، هدف از این تحقیق این است که ویژگی‌های شخصیتی زوجها متعارض و عادی را با استفاده از پرسشنامه شخصیتی ۵ عاملی نئو مقایسه نماید.

## روش

### جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش را زوجها عادی و متعارض در شهر اصفهان تشکیل داده‌اند. زوجها مذکور به صورت در دسترس از بین زوجها متعارض مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در سطح شهر اصفهان که حداقل یک سال از ازدواج آن‌ها گذشته بود و داوطلب شرکت در این پژوهش بودند و زوجها عادی با شرایط مشابه از بین زوج‌هایی عادی انتخاب شدند. نمونه پژوهش شامل ۵۳ زوج متعارض مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره سطح شهر بود. برای این پژوهش در گام اول پنج مرکز مشاوره از پنج منطقه جغرافیایی شهر اصفهان به صورت تصادفی انتخاب گردید. در گام بعدی از زوجها متعارض مراجعه‌کننده به مراکز فوق برای پژوهش مذکور دعوت به همکاری شد. با توجه به شرایط پژوهش از هر مرکز تعداد ۱۲-۱۰ زوج انتخاب شدند. برای انتخاب زوجها عادی نیز از مناطق جغرافیایی مذکور به صورت تصادفی پنج خیابان انتخاب شد و از بین زوجها ساکن در آن، ۶۰ زوج به صورت در دسترس از زوجها داوطلب شرکت در پژوهش، برگزیده شدند. زوجها هر دو گروه با توجه به ویژگی محدود سنی، سن ازدواج، تعداد فرزندان، سطح تحصیلات و محل سکونت هم‌تا سازی شدند و در گام آخر از آن‌ها برای پاسخ دادن به پرسشنامه ۲۴۰

هستند بیشتر از همسرانی که در این زمینه توانا هستند از روابط خود ناراضی‌اند. مارک من و توتارتی (۱۹۸۷) و مارک من (۱۹۹۱) در مطالعات مختلف گزارش داده‌اند که تأثیر منفی تعارضات زناشویی، شکایات و بی‌توجهی در بین همسران افسرده در مقایسه با همسران آرام بیشتر است (۵). بخشی از این تعارضات در ارتباط با عوامل بیرونی و بخشی از آن‌ها در ارتباط با عوامل درونی خانواده می‌باشد. البته میان این دو عامل ارتباط متقابل وجود دارد (۷) کاگلین، هوستون و هاتس دو دیدگاه کلی را در مطالعات مربوط به شناسایی عوامل تأثیرگذار بر کیفیت زناشویی مطرح کرده‌اند؛ دیدگاه درون شخصی و دیدگاه برون شخصی. به نظر می‌رسد در دیدگاه درون شخصی، صفات شخصیتی و الگوهای تعامل بین فردی در کیفیت روابط زوجها اهمیت دارد (۸). اگرچه در نخستین روزهای ازدواج زن و مرد نسبت به یکدیگر احساس تعهد دایمی می‌کنند لیکن واقعیت امر در پاره‌ای از موارد به گونه‌ای دیگر است. تحقیقات کارشناسان خانواده نشان داده است که حدود نیمی از زوجها، ازدواج خود را ناموفق ارزیابی می‌کنند و ممکن است این عدم موفقیت در نتیجه تعارض زناشویی باشد (۹). از آن جایی که پیامدهای تعارض زناشویی در سلامت روانی و جسمی و فردی و خانوادگی اثر گذار است، انجام پژوهش‌های متنوعی را می‌طلبد (۱۰). در سطح نهاد خانواده عواقب تعارض به وجود آمده نه تنها گریبان‌گیر همه اعضای آن خانواده می‌شود بلکه خویشان، نزدیکان و آشنایان را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. این تعارضات می‌تواند منجر به ضعیف شدن روابط زناشویی، ضعیف شدن سازگاری کودکان، احتمال افزایش تعارض بین والدین و فرزندان و نیز بین خویشاوندان شود. در سطح اجتماعی، آثار و پیامدهای تعارضات شدید می‌تواند بحران ساز گردد (۷). تعارض زناشویی با نشانه‌های افسردگی، اختلالات خوردن، الکلیسم مردان، شراب‌خواری و نوشیدن‌های خارج از خانه همراه است. اگر چه افراد متأهل به طور متوسط سالم‌تر از افراد مجرد هستند، تعارض زناشویی با کاهش سلامتی و بیماری‌های خاص از قبیل کانسر و بیماری‌های قلبی و درد مزمن همراه است، شاید برای این که رفتارهای خصومت‌آمیز در طول تعارض به تغییرات در ایمونولوژی و اندوکراین و عملکردهای قلبی عروقی مربوط می‌شود (۱۰). باوم (۲۰۰۳) معتقد است از آن جا که همبستگی مستقیمی میان رابطه نامناسب زن و شوهر با یکدیگر و رابطه نامناسب آن‌ها با فرزندان‌شان وجود دارد، در ازدواج‌هایی که رابطه زن و شوهر با یکدیگر تعارض‌آمیز است، ارتباط والد - فرزندی نیز دچار آسیب خواهد شد. از این رو فرزندان بزرگ شده در این خانواده‌ها، خود تبدیل به والدینی خواهند شد که کفایت و توانایی مناسبی نداشته و کارکردشان با نارسایی رو به رو خواهد شد (۱۱). در زمینه آثار مخرب تعارض زناشویی افارل (۱۹۸۹) نیز به پیامدهای جسمی و خطر افزایش انواع اختلالات روانی مانند افسردگی، سوء مصرف مواد، ناکارآمدی جنسی و مشکلات رفتاری اشاره نموده است (۱۲). تعارض زناشویی تقریباً می‌تواند در مورد هر چیزی باشد. شکایت زوجها در مورد منابع تعارض از دشنام‌های کلامی و فیزیکی تا ویژگی‌های شخصیتی و

با مقیاس‌های نسخه فرم کامل پرسشنامه نئو دارند (۲۰). در ایران نیز حق شناس (۱۳۸۷) بر روی نمونه ۵۰۲ نفری جمعیت شیراز به نتایج زیر رسید: ضرایب آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۳ و وجدان‌گرایی (مسئولیت‌پذیری)، ۰/۷۱ توافق‌پذیری، ۰/۵۷ گشودگی (تجربه‌گرایی)، ۰/۷۱ برون‌گرایی، ۰/۸۱ روان‌رنجوری و اعتبار آزمون مجدد در فاصله ۶ ماه برابر ۰/۵۳ روان‌رنجوری، ۰/۶ توافق‌پذیری، ۰/۷۶ گشودگی (تجربه‌گرایی) ۰/۷۴ برون‌گرایی به دست آمد (۲۱). روشن چلسی (۱۳۸۵) نیز در یک تحقیق دیگر ضرایب آلفای کرونباخ را برای روان‌رنجوری ۰/۸۳، برون‌گرایی ۰/۵۸، گشودگی (تجربه‌گرایی) ۰/۳۵، توافق‌پذیری ۰/۵۵ و وجدان‌گرایی (مسئولیت‌پذیری)، و اعتبار آزمون مجدد در فاصله یک هفته برابر ۰/۸۰ روان‌رنجوری، ۰/۸۲ برون‌گرایی، ۰/۶۱ گشودگی (تجربه‌گرایی)، ۰/۷۰ توافق‌پذیری و ۰/۷۶ وجدان‌گرایی (مسئولیت‌پذیری) به دست آورد ( $P < 0/0001$ ). (۲۱). مک کری و کاستا (۲۰۰۴) نیز به منظور بررسی روایی NEO-FFI همزمان از مقیاس NEO-PI-R استفاده کرده و ضریب روایی ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۴، ۰/۷۱، ۰/۷۷ را به ترتیب برای عوامل روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌گرایی، توافق‌پذیری و وجدان‌گرایی گزارش کردند. در این پژوهش نیز به منظور بررسی روایی همگرا، آزمودنی‌ها همراه با NEO-FFI به فرمی شامل ۱۵ صفت شخصیتی (سه صفت برای هر عامل) که در یک مقیاس ۵ درجه‌ای تنظیم شده بود پاسخ گفتند. سپس همبستگی ۵ عاملی با این صفات محاسبه شد. ضرایب روایی به شرح زیر به دست آمد: روان‌رنجوری ( $P < 0/001$ ) ۰/۶۹، برون‌گرایی ( $P < 0/001$ ) ۰/۶۴، تجربه‌گرایی ( $P < 0/01$ ) ۰/۵۲، توافق‌پذیری ( $P < 0/001$ ) ۰/۵۷ و وجدان‌گرایی ( $P < 0/03$ ) ۰/۴۲. پایایی بازآزمایی دو هفته‌ای NEO-FFI بالا بوده و برای پنج مقیاس از ۰/۸۶ تا ۰/۹۰ گزارش شده است (۲۲). کاستا و مک کری (۱۹۹۸) اعتبار دراز مدت تست NEO-PI نیز مورد ارزیابی قرار دادند. آن‌ها در یک مطالعه طولی ۶ ساله روی ضریب‌های اعتبار ۰/۶۸ تا ۰/۸۳ را هم در گزارش‌های شخصی و هم در گزارش‌های زوجها نشان دادند. ضریب‌های اعتبار دو عامل C و A به فاصله ۳ سال ۰/۷۹ و ۰/۶۳ بوده است. آن‌ها در یک مطالعه طولی ۷ ساله از ارزیابی‌های همسالان که در آن کل تست به کار رفته بود، نیز، ضریب پایایی بین ۰/۸۲ تا ۰/۵۱ برای ۱۸ صفت فرعی N, E, O و ۰/۸۱ تا ۰/۶۳ برای عوامل اصلی پنج‌گانه در مردان و زنان آوردند (۲۳). در حال حاضر پرسشنامه شخصیتی نئو NEO-PI-R، پرسشنامه‌ای است که در پژوهش‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته و یکی از ابزارهای مهم روان‌شناختی است که برای پژوهش‌هایی که هدف آن‌ها بررسی عوامل شخصیت است، به تنهایی یا در کنار سایر متغیرها به کار می‌رود (۲۱).

## یافته‌های تحقیق

جدول شماره (۱) آماره‌های توصیفی متغیرهای مربوط به

سوالی NEO دعوت به همکاری شد. تعداد ۱۲۶ پرسشنامه متشکل از زوج‌های عادی و متعارض پر شد که ۱۴ پرسشنامه به دلیل کامل نبودن آن و یا پر کردن توسط زن یا شوهر و یا تصادفی انتخاب کردن گزینه‌ها حذف و ۱۱۲ پرسشنامه؛ ۵۳ زوج متعارض و ۵۳ زوج عادی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت. زوج‌ها در فاصله زمانی خرداد ۹۱ تا مرداد ۹۱ انتخاب شدند و به پرسشنامه شخصیتی پنج عاملی نئو NEO پاسخ دادند.

## ابزار تحقیق و روایی و پایایی ابزار سنجش

پرسشنامه تجدیدنظر شده پنج عاملی شخصیتی نئو: پرسشنامه پنج عاملی شخصیت NEO از کاستا و مک کری (۱۹۹۲-۱۹۸۹)، پرسشنامه شخصیت تجدید نظر شده NEO (NEO-PI-R) و پرسشنامه پنج عاملی NEO FFI (NEO) توسعه پیدا کرده است (۱۷). نسخه تجدید نظر شده‌ی پرسشنامه‌ی شخصیتی نئو NEO-PI-R نوعی پرسشنامه‌ی خودسنجی ویژگی‌های شخصیتی است که مبتنی بر یک الگوی معروف شخصیتی به نام مدل پنج عاملی است (۱۸). که هدف آن ارزیابی پنج بعد از FFM:

- الف- روان‌رنجور خوبی (N): تمایل برای تجربه کردن عواطف منفی و پریشانی (غم) روانی در پاسخگویی به عوامل استرس‌زا؛
- ب- برون‌گرایی (E): درجه اجتماعی بودن، تهییج‌پذیری مثبت و فعالیت‌های کلی؛
- ج- گشودگی برای تجربه (O): سطوح حس کنجکاوی، قضاوت و محافظه‌کاری؛
- د- توافق‌پذیری (A): نوع دوستی و همدلی و تمایلات و گرایش‌های همکاری؛

و- وجدان (C): سطح اول خود کنترلی در برنامه ریزی و سازمان می‌باشد. فرض شده است که این پنج بعد به طور متعامد نسبتاً با هم ارتباط دارند (۱۷). این نسخه حاوی ۲۴۰ ماده (۸ ماده برای هر یک از ۲۰ جنبه یا ۴۸ ماده برای هر یک از پنج حیطه) است. پاسخ‌گویان هر یک از ۲۴۰ جمله را بر مبنای یک مقیاس طیف لیکرت پنج قسمتی (کاملاً مخالفم=۵، مخالفم=۴، نظری ندارم=۳، موافقم=۲، کاملاً موافقم=۱) درجه‌بندی می‌کنند (۱۷، ۱۸). این پرسشنامه توسط مک کری و کاستا در اصل برای جمعیت بهنجار تهیه شد و در طی دهه گذشته بیشترین استفاده در کاربست‌های پژوهشی و بالینی را داشته است.

ضریب آلفای گزارش شده توسط آنان ۰/۷۴ تا ۰/۹۸ با میانگین ۰/۸۱ متغیر بوده است. در حالی که در تحقیق بنچارد و همکاران ۱۹۹۹ این ضریب در روان‌آزرد گرایی ۰/۸۵، در برون‌گرایی ۰/۷۲، در گشودگی ۰/۶۸، برای موافق بودن ۰/۶۹ و برای با وجدان بودن ۰/۷۹ بوده است (۱۹). مک کری و کاستا (۱۹۸۹) اظهار می‌دارند که ابزار کوتاه شده (NEO\_FFI) با فرم کامل آن (NEO-PI) تطابق دقیقی دارد به طوری که مقیاس‌های فرم کوتاه، همبستگی بالای ۰/۶۸ را

جدول ۱ - آماره‌های توصیفی پنج مقیاس اصلی پرسشنامه نئو در گروه‌های پژوهشی

متغیر وابسته	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد
A	عادی	۱۱۵/۲۴۵۲	۲۲/۰۳۳	۱۰۶
	متعارض	۱۰۹/۸۴۹	۲۱/۳۲۶	۱۰۶
	کل	۱۱۲/۵۴۷	۲۱/۷۹۹	۲۱۲
C	عادی	۱۲۴/۹۰۵	۱۹/۳۴۱	۱۰۶
	متعارض	۱۱۳/۳۳۹	۲۰/۸۷۰	۱۰۶
	کل	۱۱۹/۱۲۲	۲۰/۸۹۲	۲۱۲
E	عادی	۱۱۶/۱۱۳	۱۸/۶۴۵	۱۰۶
	متعارض	۱۰۲/۵۸۴	۲۱/۵۶۷	۱۰۶
	کل	۱۰۹/۳۴۹	۲۱/۲۲۴	۲۱۲
N	عادی	۸۵/۴۶۲	۲۱/۰۵۶	۱۰۶
	متعارض	۱۰۳/۸۶	۲۲/۶۰۱	۱۰۶
	کل	۹۴/۶۶۵	۲۳/۶۶۲	۲۱۲
O	عادی	۱۰۶/۳۰۱	۱۶/۰۳۲	۱۰۶
	متعارض	۱۰۴/۴۲۴	۱۸/۷۹۸	۱۰۶
	کل	۱۰۵/۳۶۳	۱۷/۴۵۳	۲۱۲

آن در جدول (۲) نشان داده شده است. مندرجات جدول (۲) حاکی از آن است که با توجه به میزان F به دست آمده که برابر ۳/۳۳۸ می‌باشد تاثیر گروه بر تعارض زناشویی در سطح  $P < 0/05$  معنادار می‌باشد و با توجه به میزان اتای به دست آمده، میزان تاثیر گروه ۰/۳۹۹ می‌باشد. با توجه به سطح معناداری آزمون تحلیل واریانس چند متغیره MANOVA از آزمون اثرات بین آزمودنی استفاده شد که نتایج آن در جدول (۳) نشان داده شده است. مطابق مندرجات جدول (۳)، بین دو گروه در خرده مقیاس‌های  $A_1$  (اعتماد)،  $A_2$  (نوع دوستی)، C (با وجدان بودن)،  $C_1$  (کفایت و شایستگی)،  $C_2$  (وظیفه شناسی)،  $C_3$  (تلاش برای موفقیت)،  $C_4$  (خویشتن داری)،  $C_5$  (محتاط بودن در تصمیم‌گیری)، E (برون‌گرایی)،  $E_1$  (گرم بودن)،  $E_2$  (ابراز وجود و جرأت مندی)،  $E_3$  (فعال و پراثری بودن)،  $E_4$  (هیجان مثبت)، N (روان رنجور خوبی)،  $N_1$  (اضطراب)،  $N_2$  (خصوصیت)،  $N_3$  (افسردگی)،  $N_4$  (کمروبی و احساس حقارت)،  $N_5$  (شتاب‌زدگی و تکانش‌وری)،  $N_6$  (آسیب‌پذیری) تفاوت معناداری وجود دارد که با توجه به میانگین گروه‌ها در جدول (۱) این معناداری در ویژگی‌های:  $N_1 - N_2 - N_3 - N_4 - N_5 - N_6$  به نفع گروه متعارض بوده و در ویژگی‌های  $A_1 - A_2 - C_1 - C_2 - C_3 - C_4 - C_5 - E_1 - E_2 - E_3 - E_4$  به نفع گروه عادی می‌باشد. به بیان دیگر گروه زوجین متعارض در خرده مقیاس‌های مربوط به عامل کلی روان رنجور خوبی میانگین نمره بیشتری کسب کرده‌اند.

### بحث و نتیجه گیری

هدف از انجام این پژوهش مقایسه ویژگی‌های شخصیتی زوج‌های متعارض و زوج‌های عادی بر اساس آزمون شخصیتی پنج عاملی NEO بود. نتایج پژوهش مبین این واقعیت است که زوج‌های متعارض در مقایسه با زوج‌های عادی در برخی از خرده مقیاس‌های آزمون شخصیتی پنج عاملی NEO، با هم تفاوت معناداری دارند. نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر نشان داد که بین زوج‌های متعارض و عادی در ویژگی‌های شخصیتی طبق نظریه شخصیت ۵ عاملی NEO، تفاوت معناداری در عامل‌های کلی روان رنجور خوبی N، برون‌گرایی E، با وجدان بودن C و توافق‌پذیری A وجود دارد. به این معنا که در عامل کلی روان رنجور خوبی N این تفاوت به نفع گروه متعارض و در سایر عوامل به نفع گروه عادی بود. زوج‌های متعارض و عادی در عامل کلی O اعطاف‌پذیری تفاوت معناداری با یکدیگر نداشتند. بررسی تمام

گروه‌های مورد مطالعه را نشان می‌دهد. مطابق مندرجات این جدول، که نمرات خرده مقیاس‌های آزمون ۵ عاملی NEO در دو گروه متعارض و عادی را نشان داده است، میانگین نمرات مقیاس‌های A، C، E و O در افراد عادی بیشتر از افراد متعارض و میانگین نمره مقیاس N در افراد متعارض بیشتر از افراد عادی است.

با توجه به سطوح متغیرهای وابسته، برای مقایسه دو گروه در متغی‌های خرده مقیاس‌های شخصیت از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) استفاده شده است. البته قبل از انجام تحلیل واریانس چند متغیره، پیش فرض‌های آن مورد بررسی قرار داده شد. بدین منظور برای بررسی تساوی واریانس‌ها، آزمون لوین انجام شد که نتایج آزمون لوین برای تمام خرده مقیاس‌های آزمون پنج عامل نئو معنادار نبود و نشان می‌دهد که این پیش فرض رعایت شده است لذا از آزمون معناداری تحلیل واریانس چند متغیره استفاده گردید که نتایج

جدول ۲ - آزمون معناداری تحلیل واریانس چند متغیر

تأثیر	شاخص تحلیل واریانس	F	Hypothesis df	Error df	سطح معناداری	مجذور اتا
گروه	Wilks' Lambda	۳۵/۳۳۸	۳۵	۱۷۶	*۰/۰	۰/۳۶۶

$P < 0/05$ \*

جدول ۳ - نتایج اثرات ویژگی‌های شخصیتی بر حسب گروه مورد مطالعه

s	سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	متغیر وابسته	منابع تغییرات
-/۰۱۵	-/۰۷۱	۳/۲۸۳	۱۵۴۳/۳۲۱	۱	A	
-/۰۷۵	*۰	۱۷/۱۳۹	۴۲۱/۷۰۳	۱	A1	
.	-/۸۲۳	-/۰۵	۱/۵۲۸	۱	A2	
-/۰۵۵	*-/۰۰۱	۱۲/۲۳۸	۲۶۹/۴۳۹	۱	A3	
.	-/۷۶	-/۰۹۴	۱/۸۸۷	۱	A4	
-/۰۰۲	-/۵۱۲	-/۴۳۱	۶/۴۵۸	۱	A5	
-/۰۰۳	-/۴۶۴	-/۵۳۸	۸/۳۲۱	۱	A6	
-/۰۷۷	*۰	۱۷/۵۱۳	۷۰۸۹/۹۸۱	۱	C	
-/۰۷۵	*۰	۱۷/۰۱۱	۲۶۲/۷۱۷	۱	C1	
.	-/۸۲	-/۰۵۲	۱/۰۶۱	۱	C2	
-/۰۷۸	*۰	۱۷/۸۳۵	۴۲۴/۵۲۸	۱	C3	
-/۰۶۶	*۰	۱۴/۹۵۷	۳۱۶/۴۲	۱	C4	
-/۰۸۲	*۰	۱۸/۸۶	۵۸۱/۱۳۷	۱	C5	
-/۰۶۳	*۰	۱۴/۲۳۳	۳۹۳/۹۶۷	۱	C6	
-/۱۰۲	*۰	۲۳/۸۶۶	۹۶۹۹/۷۹۲	۱	E	
-/۰۸	*۰	۱۸/۲۸۳	۴۹۸/۲۳۱	۱	E1	
-/۰۱۵	-/۰۷۹	۳/۱۱۴	۹۷/۸۱۱	۱	E2	group
-/۰۷۵	*۰	۱۷/۰۸۹	۳۹۶/۶۹۸	۱	E3	
-/۰۶۷	*۰	۱۵/۱۲۸	۳۳۶/۲۶۹	۱	E4	
-/۰۱۳	-/۰۹۵	۲/۸۱۴	۵۲/۰۰۵	۱	E5	
-/۰۵۸	*۰	۱۲/۹۰۲	۳۴۸/۹۸۱	۱	E6	
-/۱۵۲	*۰	۳۷/۶۳۳	۱۷۹۵۴/۷۳۲	۱	N	
-/۰۸۲	*۰	۱۸/۶۸۴	۵۳۵/۷۰۳	۱	N1	
-/۰۵۲	*-/۰۰۱	۱۱/۵۱۷	۳۳۶/۲۶۹	۱	N2	
-/۱۲۴	*۰	۲۹/۷۰۶	۸۷۶/۲۳۱	۱	N3	
-/۱۳۶	*۰	۳۳/۰۷۴	۵۵۴/۹۴۸	۱	N4	
-/۰۳۴	*-/۰۰۷	۷/۴۵۴	۴۵۰/۳۸۲	۱	N5	
-/۱۶۵	*۰	۴۱/۴۳۱	۱۰۲۴/۳۲۱	۱	N6	
-/۰۰۳	-/۴۳۵	-/۶۱۲	۱۸۶/۷۹۷	۱	O	
-/۰۱	-/۱۵۷	۲/۰۲	۵۲/۰۰۵	۱	O1	
-/۰۱۸	-/۰۵۲	۳/۸۲۳	۱۱۱/۸۶۸	۱	O2	
-/۰۱۸	-/۰۴۸	۳/۹۴۵	۷۲/۵۲۸	۱	O3	
-/۰۰۶	-/۳۷۵	۱/۱۹۹	۲۱/۱۷۵	۱	O4	
-/۰۱۷	-/۰۵۷	۳/۶۵	۱۰۴/۷۳۲	۱	O5	

P<0/05\*

همکاران (۲۰۰۰) در پژوهش خود گزارش کرده‌اند که توافق پذیری، وظیفه‌شناسی و برون‌گرایی نیز همبستگی مثبت با رضایت زناشویی دارند. دونلان و همکاران (۲۰۰۴) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که روان‌رنجور خوبی با تعاملات منفی همبستگی مثبت و توافق پذیری و تجربه‌پذیری با تعاملات منفی همبستگی منفی دارد. همچنین این پژوهش نشان داد که تجربه‌پذیری همبستگی منفی با ناراضی‌تی و همبستگی مثبت با رضایت جنسی دارد. این پژوهشگران معتقدند تجربه‌پذیری باعث می‌شود زوج‌ها در حل مشکلات و تعارضاتشان رویکردهای انعطاف‌پذیرتر و فعال‌تری را اتخاذ کنند. از نظر آن‌ها تجربه‌پذیری به رضایت جنسی بیشتر در زوج‌ها منجر می‌شود زیرا باعث می‌شود زوج‌ها فرایند اکتشاف جنسی را گسترش دهند. یعنی گرایش به ایجاد تنوع در رابطه جنسی به افزایش رضایت‌مندی آن‌ها از روابط جنسی منجر می‌شود. به علاوه ویژگی تجربه‌پذیری باعث افزایش توجه به طرف مقابل می‌شود (۱۳). همچنین شاکیان (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش ابعاد شخصیت و جنسیت در پیش‌بینی سازگاری زناشویی» به این نتیجه رسید که ضرایب رگرسیون هر یک از شش متغیر پیش‌بینی نشان می‌دهد که برون‌گرایی ( $P < 0/05$ )؛ دلپذیر بودن ( $P < 0/01$ )؛ وظیفه‌شناسی ( $P < 0/01$ )؛ روان‌نژندی ( $P < 0/01$ ) و جنسیت ( $P < 0/01$ ) می‌توانند واریانس متغیر سازگاری را به صورت معنادار تبیین کنند. یافته‌های او در بررسی نقش ابعاد شخصیت و جنسیت در پیش‌بینی سازگاری زناشویی نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی، دلپذیر بودن، وجدان‌گرایی، روان‌رنجوری و جنسیت می‌تواند رضایت زناشویی را پیش‌بینی کند (۴). کاستا و مک کری (۱۹۸۴) و واتسون، کلارک، مک اینتیر و هامیکر (۱۹۹۲) در چند تحقیق نشان دادند که برون‌گرایی با سلامت هیجانی همبستگی مثبت و روان‌رنجور خوبی با سلامت هیجانی همبستگی منفی داشته است. این پژوهشگران نتیجه گرفتند افرادی که از نظر برون‌گرایی بالا و از لحاظ روان‌رنجور خوبی پایین هستند به صورت ژنتیکی برای ثبات هیجانی آمادگی دارند. امیرخان، ریزینگر و سوویکرت (۱۹۹۵) نیز در بررسی خود به این نتیجه رسیدند آن‌هایی که از نظر برون‌گرایی بالا بودند بهتر از آن‌هایی که از این نظر پایین بودند توانستند با استرس زندگی روزمره مقابله کنند. برون‌گرایان همچنین به احتمال بیشتری درصدد حمایت اجتماعی بر می‌آمدند تا به آن‌ها در کنار آمدن با استرس کمک کند. در تحقیق سادینو، پیترسون، لیختنشتاین، مک کلیرن و پلامین (۱۹۹۷) زنانی که در برون‌گرایی و گشودگی به تجربه (تجربه‌پذیری) نمره بالایی گرفتند، رویدادهای زندگی مثبت به مراتب بیشتری را تجربه کردند. زنانی که در روان‌رنجور خوبی نمره‌ی بالایی گرفتند وقایع زندگی ناگوار به مراتب بیشتری را تجربه کردند. در پژوهش دیگری از مک کری و کاستا (۱۹۹۱)، افرادی که از لحاظ خوشایندی و وظیفه‌شناسی بالا بودند از کسانی که در این صفات پایین بودند، سلامت هیجانی بیشتری را نشان دادند (۲۷). در همین رابطه نتایج پژوهش‌های مختلف مانند حسینی‌نسب و همکاران

عامل‌های کلی و خرده‌مقیاس‌های این آزمون شخصیتی نشان داد ابعاد شخصیتی زوج‌ها، نقش مهمی در ایجاد تعارض زناشویی در بین آن‌ها دارد. این یافته‌ها همسو با یافته‌های شاهمرادی، فاتحی زاده و احمدی (۱۳۹۰) است که در تحقیقی با عنوان «پیش‌بینی تعارض زناشویی از طریق ویژگی‌های شخصیتی، روانی و جمعیت شناختی زوج‌ها» به این نتیجه رسیدند که بین زوج‌های در معرض طلاق و زوج‌های عادی در ویژگی‌های روان‌رنجور خوبی، تجربه‌پذیری و وظیفه‌شناسی تفاوت معنادار وجود دارد (۱۳). بوچارد، لوسیر و سابورین (۱۹۹۹) معتقدند روان‌رنجور خوبی هم بر ادراک همسران و هم بر عواطف منفی ناشی از این ویژگی تاثیر می‌گذارد (۲۴). کالگین، هوستون و هاوتس (۲۰۰۰) در مطالعه‌ای ۱۳ ساله به این نتیجه رسیدند که قسمت اعظم رابطه بین روان‌رنجور خوبی و رضایت زناشویی مربوط به الگوهای ارتباطی منفی بین همسران است یعنی افراد روان‌رنجور عواطف منفی بیشتری را به همسران ابراز می‌کنند و از این طریق به شکل‌گیری الگوهای تعاملی منفی در روابط زناشویی کمک می‌کنند (۱۳). حسینی‌نسب و همکاران (۱۳۸۸) نیز در تحقیق خود با عنوان «رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های حل تعارض بین فردی با سازگاری زناشویی دانشجویان متاهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز» نشان دادند که بین تیپ‌های شخصیتی و سازگاری زناشویی همبستگی معناداری وجود دارد. به طوری که بین برون‌گرایی و سازگاری زناشویی همبستگی مثبت ( $r=0/40$ ،  $P < 0/001$ )؛ بین همسازگی (دلپذیر بودن) و سازگاری زناشویی همبستگی مثبت ( $r=0/44$ ،  $P < 0/001$ )؛ بین وظیفه‌شناسی (با وجدان بودن) و سازگاری زناشویی همبستگی مثبت ( $r=0/45$ ،  $P < 0/001$ )؛ بین روان‌رنجوری و سازگاری زناشویی همبستگی منفی ( $r=0/40$ ،  $P < 0/001$ )؛ بین تجربه‌پذیری و سازگاری زناشویی همبستگی مثبت ( $r=0/18$ ،  $P = 0/001$ ) وجود دارد. براساس نتایج حاصل از این پژوهش بر اساس تحلیل رگرسیون گام به گام ویژگی‌های شخصیت، سه تیپ شخصیتی با وجدان بودن، دلپذیر بودن، روان‌رنجور خوبی سازگاری زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. در تبیین این بخش از یافته‌های پژوهش چنین به نظر می‌رسد که با وجدان بودن به جهت التزام اخلاقی زوجین، دلپذیر بودن به واسطه توانایی ایجاد الفت و توافق، روان‌رنجور خوبی پایین به جهت ایجاد سلامت روانی و هیجانی مناسب، در کنار توجه به انتظارات و تشابهات در هنگام بروز تعارض به سازگاری زناشویی بیشتر برای زوجین منجر می‌شود (۲۵). جارویس (۲۰۰۶) معتقد است افراد وظیفه‌شناس، برای حفظ و ثبات روابط زناشویی خود تلاش هدفمند بیشتری انجام می‌دهند. در این راستا کوردک (۱۹۹۳) معتقد است، وجود سطوح بالای وظیفه‌شناسی باعث می‌شود، فرد وجدان‌گرایی بیشتر داشته باشد و از نشان دادن رفتارهای خشونت‌آمیز در روابط زناشویی خودداری و تکانه‌های خود را مهار کند. هارت، داتون و نیولاو (۱۹۹۳) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که مردانی که وظیفه‌شناسی کمتری دارند به تنش‌های زناشویی از طریق روی آوردن به الکل و پرخاشگری فیزیکی واکنش نشان می‌دهند. همچنین واتسون و

یکی از نتایج حاصل از پژوهش حاضر این است که زوج‌های متعارض و عادی در عامل برون‌گرایی با هم تفاوت معناداری دارند که این یافته‌ها با نتایج پژوهش احدی (۱۳۸۶) همسو نمی‌باشد و عنوان کرده است که بین عامل شخصیتی برون‌گرایی و رضایت زناشویی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد (۸). نتایج پژوهش بوتوین و همکاران (۱۹۹۷) نیز مبنی بر عدم وجود رابطه معنادار بین برون‌گرایی و رضایت زناشویی است. لازم به ذکر است که این پژوهشگران از ابزار دیگری برای اندازه‌گیری شخصیت استفاده کرده‌اند (۲۹).

(۱۳۸۸)، برادبوری و فینچام (۲۰۰۰) و شاهمرادی و همکاران (۱۳۹۰) نشان می‌دهد ابعاد مختلف شخصیتی نقش مهمی در تبیین سازگاری زناشویی دارند (۲۶، ۲۵، ۱۳). چنان‌چه بررسی مجموع این پژوهش‌ها حاکی از آن است که بین ابعاد شخصیتی برون‌گرایی، دلپذیر بودن و با وجدان بودن با رضایت زناشویی رابطه مثبت وجود دارد و بعد روان رنجورخویی به صورت منفی با رضایت زناشویی در ارتباط است و در مورد تاثیر تجربه‌گرایی همگرایی کمتری بین پژوهش‌های مختلف وجود دارد. نتایج پژوهش واتسون و همکاران (۲۰۰۰) که برای اندازه‌گیری پنج عامل از پرسشنامه NEO-FFI استفاده کرده است نیز همسو با نتایج فوق می‌باشد (۲۸).

## References

- 1- Shah Baravati H. R., Naqshbandi S. Translator of Family Therapy by Goldenberg I., Goldenberg H. Tehran. Published by Ravan. (1386).
- 2- Dehghani M. and Associated Translator of Family Therapy Concepts and Methods by Nichols M.P., Schwartz R.C. Tehran. Published by Danzhh (1389). 2th Edition. pp: 125.
- 3- Bahari F, Fatehizadeh M, Ahmadi S. A, Molavi H, & Bahrami F, Influence Training Wives" Communication Skills on reducing marital conflicts of couple conflicting for divorce: Clinical Psychology and Counseling Research. (1390). (1) 1: 59-70. [Persian]
- 4- Shakerian A. The role of personality and gender in predicting marital adjustment: Journal of Kermanshah University of Medical sciences. (1390) (54) 1: 16-22. [Persian]
- 5- Mansour L. , Adib Rad N. Dimensions of marital conflict and counseling center for women in normal females: Journal of Counseling and Research news. (1383) (11) 3: 47-64. Persian
- 6- Hakimi tehrani L., Fatehi zadeh M., Baghban I., Emotional Security Training Effectiveness Married Women marital conflict Isfahan city: Journal of Women"s Studies. (1391) Years I, Number 1(30). 103-124. [Persian]
- 7- Mansourian M.K., Fakhraee S. Sociological Analysis of Family Conflict wives in Shiraz: Journal of Women Studies. (1387) (1) 2: 75-113. [Persian].
- 8- Ahadi, B. Correlations between personality and marital satisfaction: Journal of Contemporary Psychology. (1386). (2) 2: 31-37. [Persian]
- 9- Sudani M., Shahriari Y., Shafi Abadi A., Effectivness of Structural family therapy training Method referred to collectively reducing marital conflict settlement, council offices baghmalek city: The new Psychology.(1388) (12) 4: 7-25. [Persian]
- 10- Fincham, F. D. Marital Conflict: Correlates, Structure, and Context: Current Directions in Psychological Science(2003). (12) 1. 23-27.
- 11- Hoseini f., Zaker B. Parental marital Conflict and marital conflict than their married children: New Thoughts on education. (1384). (4) 1:79-96. [Persian]
- 12- Movahedi M., Azizi T. A Study on the relationship between the sexual satisfaction of women in a married life and conflict between spouse, among married women in Shiraz: Journal of Women in Development & Politics. (1390) (2) 9: 191-217. [Persian ]
- 13- Shahmoradi s., Fatehi zadeh M., Ahmadi S.A. Marital conflict predicted by personality characteristic, psychology and demographic couples: Journal of Knowledge & Research in Applied Psychology. (1390). (43) 12: 33-44. [Persian]
- 14- Attari Y.A. , Aman o lahi Fard A. , Mehrabi Zadeh Honarmand M. The relationship between personality trait and demographic factors- familial and marital satisfaction in Ahvaz city government staff: Journal of Education and Psychology.(1385) (1) 3: 81-108. [Persian]
- 15- John, o. p., & Srivastava, S.. The big five trait taxonomy: History, measurement, and theoretical perspective. In L. A. Pervin, & P. P. John (Eds.),

- Handbook of personality, theory and research (1999) (PP. 102-139). New York: Guilford press.
- 16- Karney, Benjamin R., Bradbury, Thomas N Neuroticism, marital interaction, and the trajectory of marital satisfaction. *Journal of Personality and Social Psychology*. (1997). VOL 72(5). 1075-1092.
- 17- Rosellini, A.J. , Brown, T.A The NEO Five-Factor Inventory: Latent Structure and Relationships With Dimensions of Anxiety and Depressive Disorders in a Large Clinical Sample: Assessment. (2010). (18) 1. 27-38.
- 18- Fathi Ashtiani A. *Psychology Tests: Assessing Personality and Mental Health*. Tehran: Published by bessat. Sixth Edition. (1390) pp: 48. Persian
- 19- Eggert , J. lewendosky, A. Klump, K. Relationships among attachment styles, personality characteristics, and disordered eating. *International Journal of Eating Disorders* (2007). 40(2):149-155.
- 20- McCrae R.R, Costa P.T., Jr. Rotation to maximize the Counstruct validity of factorse in the NEO Personality Inventory. *Multivariate Behavioral Research*. (1989).VOL 24(1). 107-124.
- 21- Roshan Chesly R., Shaeeri M.R., Atri Fard M., Nikkhah A., Ghaemmaghami B., Rahimi Rad A. Evaluate the Psychometric characteristics of the Five- Factor personality Questionnaire NEO (NEO-FFI): *Daneshvar Raftar bimonthly*. (1385). Years XIII. (16). 27-36
- 22- Nilforooshan P., Ahmadi S.A., Fatehi Zadeh M., Abedi M.R., Ghasemi R. Relationship between attachment demensions and Five- Factors of personality in term of individual and paired: *Journal of Family Research* (1389). (22) 6: 257-272. [Persian ]
- 23- Garosi Farshi M.T. *New Approach in Personality Assessment: the use of Factor analysis in personality research*. Tabriz: Published by Jamee Pajoh & Danial (1380) pp: 121. [Persian]
- 24- Bouchard, G., Lussire, Y., & Sabourin, S Personality and marital adjustment: Utility of five-factor model of personality. *Journal of Marriage and Family*. (1999). VOL 61(3). 651-660
- 25- Hoseini Nasab S.D., Badri R. Ghaemyan oskoi A. Correlations between Personality Characteristic and Interpersonal conflict resolution styles with marital Adjustment among married student at Islamic Azad university of Tabriz: *Journal of Education Management*. (1388). (2) 1: 57-78. [Persian]
- 26- Bradbury, Thomas N., Fincham, Frank D., Beach, Steven R. H. Research on the nature and determinants of marital Satisfaction. *Journal of marriage &family* (2000) VOI 62(4): 964-980.
- 27- Seyed Mohamadi Y. *Translator of Theories of personality by Schultz D., Shultz S.E.* , Tehran: Published by Virayesh (1388) pp: 328. [Persian]
- 28- Watson, D., Hubbard, B. and Wiese, D.. General traite of personality and affectivity as predictors of satisfaction in intimate relationships: Evidence from self and partner-ratings. *Journal of Personality*, (2000) 68, 413-449.
- 29- Botwin, M.D., Buss, D.M. and Shackelford, T. K. Personality and mate preferences: Five factors in mate selection and marital satisfaction. *Journal of personality*. (1997) 65, 107-136